



A Look at the Terms and Effects of the Scheme of Arrangement in the Commercial Law

Davod Soltanian¹, Mazher Khajovand^{2*}

1. PhD in Private Law, Tonkabon Branch, Islamic Azad University, Tonkabon, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Nowshahr Branch, Islamic Azad University, Nowshahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 259-276

Article history:

Received: 12 Des 2021

Edition: 3 Jan 2022

Accepted: 8 Mar 2022

Published online: 26 Mar 2022

Keywords:

amicable agreement, court confirmation, majority of creditors, secondary bankruptcy.

Corresponding Author:

Mazher Khajovand

Address:

Iran, Nowshahr, Islamic Azad University, Nowshahr Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0003-4619-2792

Tel:

Email:

mazaher.khajvand@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The purpose of this article is to examine the conditions and effects of the Arafah contract in commercial law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that the effects of bankruptcy begin with the issuance of a bankruptcy order and end as a result of three reasons (the termination of liquidation, the occurrence of a settlement agreement, and the issuance of a credit restoration order). Among the above three reasons, the termination of liquidation and settlement agreement do not completely end the bankruptcy, and despite their realization, some negative effects of bankruptcy still remain, but the credit restoration order is one of the complete reasons for the termination of bankruptcy, and after that, all the restrictions and exclusions of the businessman are removed. . The scheme of arrangement is a way out for the bankrupt businessman so that he can get rid of the effects and consequences of the bankruptcy order.

Conclusion: The result is that despite the fact that the commercial law has described and expressed the terms and effects of the scheme of arrangement, it is silent and contains ambiguity in some issues. This article examines the conditions and effects of Scheme of arrangement with descriptive and analytical method.

Cite this article as:

Soltanian D, Khajovand M. A Look at the Terms and Effects of the Scheme of Arrangement in the Commercial Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022.



شرایط و آثار قرارداد ارفاقی در قانون تجارت

داود سلطانیان^۱، مظاهر خواجهوند^{۲*}

۱. دکتری حقوق خصوصی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قرارداد ارفاقی راه گریزی است برای تاجر ورشکسته تا به موجب آن بتواند از آثار و تبعات حکم ورشکستگی رهایی یابد. هدف مقاله حاضر بررسی شرایط و آثار قرارداد ارفاقی در قانون تجارت است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد آثار ورشکستگی با صدور حکم ورشکستگی آغاز و در نتیجه سه سبب (ختم تصفیه، وقوع قرارداد ارفاقی و صدور حکم اعاده اعتبار) پایان می‌یابد. در بین سه سبب فوق، ختم تصفیه و قرارداد ارفاقی کامل باعث ختم ورشکستگی نمی‌شوند و با وجود تحقق آن‌ها هم‌چنان برخی از آثار منفی ورشکستگی باقی می‌ماند؛ اما حکم اعاده اعتبار جزء اسباب کامل ختم ورشکستگی است و پس از آن تمامی محدودیت‌ها و محرومیت‌های تاجر برطرف می‌شود. قبول حداقل، نصف به‌علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن دست‌کم سه چهارم از همه مطالبات، نیز قبول تاجر، از شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی هستند.

نتیجه: برخلاف اینکه قانون تجارت شرایط و آثار قرارداد ارفاقی را تشریح و بیان کرده است، در برخی از مسائل، ساکت و حاوی ابهام است. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی شرایط و آثار قرارداد ارفاقی می‌پردازد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۵۹-۲۷۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶

واژگان کلیدی:

قرارداد ارفاقی، تصدیق دادگاه، اکثریت طلبکاران، ورشکستگی ثانویه.

نویسنده مسئول:

مظاهر خواجهوند

آدرس پستی:

ایران، نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

نوشهر، گروه حقوق.

کد ارکید:

0000-0003-4619-2792

تلفن:

پست الکترونیک:

mazaher.khajvand@iau.ac.ir

۱. مقدمه

راستای تشریفات وقوع این قرارداد عهده‌دار هستند. شرایط و آثار قرارداد ارفاقی در ذیل گفته می‌شود. قرارداد ارفاقی جز اسباب ختم ورشکستگی است چون بعد از وقوع این قرارداد، تاجر از ممنوعیت خارج می‌شود و می‌تواند مجدداً شخصاً فعالیت‌های تجاری اش را مطابق قرارداد و بدون دخالت نهاد تصفیه ادامه دهد. گفتنی است که مقررات مربوط به انعقاد، آثار و انحلال قرارداد ارفاقی صرفاً در قانون تجارت بیان شده و در قانون اداره تصفیه مقررات خاصی راجع به قرارداد ارفاقی وجود ندارد. بنابراین شرایط انعقاد، آثار و انحلال قرارداد ارفاقی‌ای که با وساطت و دخالت اداره تصفیه انجام می‌شود به جهت سکوت قانون اداره تصفیه وفق ماده ۱۲ این قانون تابع احکام قانون تجارت است. مواد ۴۷۶ تا ۵۰۳ قانون تجارت راجع به قرارداد ارفاقی است. هدف مقاله حاضر بررسی شرایط و آثار قرارداد ارفاقی در قانون تجارت است. همین امر تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام شده است. بر اساس آنچه گفته شد سؤال مقاله بدین شکل طرح می‌شود که شرایط و آثار قرارداد ارفاقی در قانون تجارت چیست؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه: «آثار قرارداد به تمامی طلبکاران حتی مخالفین سرایت می‌کند. لزوم تصدیق قرارداد توسط دادگاه و قابلیت اعتراض طلبکاران به آن جز ویژگی‌های منحصر به فرد قرارداد است». به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی و در ادامه آثار این قرارداد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تاجر بعد از صدور حکم ورشکستگی از مداخله در اموالش ممنوع می‌شود و مدیر تصفیه یا اداره تصفیه به قائم‌مقامی او اقدام به اجرای حکم ورشکستگی و به عبارتی تصفیه امور ورشکسته می‌نماید. اجرای حکم ورشکستگی به دو قسمت اجرای موقت و اجرای نهایی تقسیم می‌شود. در اجرای موقت که به محض صدور حکم بدوی ورشکستگی شروع می‌شود مدیر یا اداره تصفیه مقدمات مربوط به اجرای نهایی را انجام می‌دهند. این مقدمات شامل: ۱- شناسایی طلبکاران و تشخیص و تصدیق طلب آن‌ها؛ ۲- تعیین میزان دارایی تاجر؛ ۳- مشخص کردن سهم هر یک از طلبکاران در دارایی تاجر است. قاعدتاً بعد از انجام مقدمات مذکور که به آن اجرای موقت حکم ورشکستگی گفته می‌شود باید اجرای نهایی آن که شامل فروش اموال ورشکسته و تقسیم حاصل فروش بین طلبکاران بر اساس نسبت طلب آن‌ها در دارایی است، آغاز گردد؛ اما قبل از اجرای نهایی و تصفیه، جلسه‌ای به ریاست عضو ناظر (و یا یکی از کارمندان اداره تصفیه) تشکیل می‌شود و از تاجر و طلبکاران دعوت به عمل می‌آید. موضوع این جلسه ارائه گزارشی راجع به اقدامات تصفیه توسط مدیر تصفیه، اعلام میزان دارایی و بدهی تاجر و نسبت سهم هر طلبکار از دارایی وی و نهایتاً کیفیت تصفیه است. در این جلسه ممکن است پیشنهاد قرارداد ارفاقی توسط تاجر و یا هریک از طلبکاران شود. در صورتی که شرایط این قرارداد وجود داشته باشد، قرارداد مزبور بین تاجر و اکثریت طلبکاران به شرحی که گفته خواهد شد، منعقد می‌شود (رضائیان، ۱۳۹۶، ۵۶). مدیر تصفیه (یا اداره تصفیه) و عضو ناظر دخالتی در وقوع این قرارداد ندارند هرچند تکالیفی را در

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد آثار ورشکستگی با صدور حکم ورشکستگی آغاز و در نتیجه سه سبب (ختم تصفیه، وقوع قرارداد ارفاقی و صدور حکم اعاده اعتبار) پایان می‌یابد. در بین سه سبب فوق، ختم تصفیه و قرارداد ارفاقی، کامل باعث ختم ورشکستگی نمی‌شوند و با وجود تحقق آن‌ها هم‌چنان برخی از آثار منفی ورشکستگی باقی می‌ماند؛ اما حکم اعاده اعتبار جزء اسباب کامل ختم ورشکستگی است و پس از آن تمامی محدودیت‌ها و محرومیت‌های تاجر برطرف می‌شود. قرارداد ارفاقی راه‌گزینی است برای تاجر ورشکسته تا به موجب آن بتواند از آثار و تبعات حکم ورشکستگی‌هایی یابد. قبول حداقل، نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه چهارم از همه مطالبات، همچنین، قبول تاجر، از شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی هستند.

۵. بحث

قانون تجارت قرارداد ارفاقی را تعریف نکرده است. حقوق دانان در تعریف این قرارداد می‌گویند: «قرارداد ارفاقی قراردادی است که بین اکثریت طلبکاران و تاجر ورشکسته منعقد می‌شود و به موجب آن

طلبکاران به تاجر فرصت می‌دهند تا به تجارت خود ادامه دهد و در برخی مواقع ممکن است از بخشی از مطالبات خود صرف نظر کنند و در مقابل تاجر تعهداتی را به عهده می‌گیرد و موظف می‌شود که مطالبات طلبکاران را به ترتیب مقرر و در مواعد تعیین شده در قرارداد پرداخت کند» (عبدی‌پور، ۱۳۹۸، ج ۴، ۲۱۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود ارفاق طلبکاران به تاجر ممکن است از حیث اعطای مهلت و یا بخشش قسمتی از مطالبات باشد (حاجعلی، ۱۴۰۰، ۱۷۵). در اکثر کشورهای دنیا امکان انعقاد قرارداد ارفاقی قبل از صدور حکم ورشکستگی وجود دارد؛ اما در قانون تجارت ایران قانون‌گذار فقط مقررات مربوط به انعقاد قرارداد ارفاقی پس از صدور حکم ورشکستگی و در حین عملیات تصفیه را پیش‌بینی کرده است. بنابراین قراردادهای ارفاقی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- قرارداد ارفاقی دوستانه: قراردادی است که بین تمام طلبکاران (و نه اکثریت) و تاجر قبل از طرح دعوی ورشکستگی در دادگاه مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی به عمل می‌آید و نیازی به تصدیق دادگاه ندارد. انعقاد چنین قراردادی علی‌رغم فقدان نص قانونی در حقوق ایران مجاز است. ۲- قرارداد ارفاقی پیش‌گیرانه: این قرارداد قبل از صدور حکم ورشکستگی بین اکثریت طلبکاران و تاجر منعقد می‌شود و باید مورد تصدیق دادگاه قرارگیرد. چنین قراردادی مانع صدور حکم ورشکستگی می‌شود. در حال حاضر به جهت فقدان نص، امکان انعقاد چنین قراردادی در کشور ما وجود ندارد. ۳- قرارداد ارفاقی پس از صدور حکم ورشکستگی: قانون تجارت فقط مقررات این نوع قرارداد را پیش‌بینی کرده است و به آن قرارداد ارفاقی

اکثریت یا قرارداد ارفاقی قضایی هم گفته می‌شود (صفری، ۱۳۸۸، ۲۳۸).

۵-۱. شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی

قرارداد ارفاقی یک قرارداد تشریفاتی است و برای وقوع آن صرف نظر از شرایط عمومی صحت قراردادها موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی، باید یکسری شرایط اختصاصی و تشریفاتی رعایت شود. ماده ۴۷۹ قانون تجارت می‌گوید: «قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمی‌شود؛ مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است» با توجه به قانون تجارت شرایط تحقق قرارداد ارفاقی عبارت‌اند از:

۵-۱-۱. درخواست قرارداد ارفاقی و دعوت از طلبکاران و تشکیل جلسه و مشاوره در خصوص انعقاد قرارداد ارفاقی

قرارداد ارفاقی باید توسط یکی از طرفین درخواست شود. معمولاً تاجر چنین درخواستی را مطرح می‌کند اما منعی ندارد که هر یک از طلبکاران خواستار انعقاد این قرارداد باشند. پس از مشخص شدن نهایی طلبکاران و قبل از اجرایی نهایی حکم ورشکستگی (فروش و تقسیم اموال)، عضو ناظر و یا اداره تصفیه باید طلبکاران را دعوت کنند و جلسه‌ای را تشکیل دهند تا در این جلسه مدیر تصفیه یا اداره مذکور گزارشی از اقدامات صورت گرفته و کیفیت تصفیه ارائه دهد. چنانچه درخواست قرارداد ارفاقی شده باشد در این جلسه راجع به انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد، مشاوره می‌شود. چنانچه هیچ یک از طرفین خواستار انعقاد قرارداد ارفاقی نباشد عملیات تصفیه جهت فروش و تقسیم اموال ادامه می‌یابد و نهاد

تصفیه راساً حق درخواست یا اصرار در زمینه انعقاد قرارداد ارفاقی را ندارد. چنانچه تصفیه تابع قانون تجارت باشد عضو ناظر جلسه مذکور را تشکیل می‌دهد و توسط دفتر دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی طلبکاران را برای این جلسه دعوت می‌کند. دفتر دادگاه از طریق انتشار در روزنامه‌ها و ارسال برگه‌های دعوت نامه، طلبکاران را دعوت می‌نماید (شریف‌پیمایی، ۱۳۹۹، ۶۷). چنانچه تصفیه تابع قانون اداره تصفیه باشد خود اداره اقدام به دعوت طلبکاران و تشکیل جلسه می‌نماید. موعد و زمانی که عضو ناظر یا اداره تصفیه باید طلبکاران را دعوت و جلسه را تشکیل دهند ظرف هشت روز از تاریخ سپری شدن موعد ارائه اسناد طلب توسط طلبکاران و تشخیص مطالبات و تهیه لیست نهایی طلبکاران مطابق نظام‌نامه ماده ۴۷۶ قانون تجارت است. صرفاً طلبکارانی که طلبشان تصدیق یا موقت قبول شده حق شرکت در این جلسه را دارند. مجمع عمومی طلبکاران در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می‌شود. طلبکارهایی که طلب آن‌ها موقت قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آن‌ها حاضر می‌شوند. تاجر ورشکسته نیز به این مجمع دعوت می‌شود. مشارالیه باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می‌تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد. در این جلسه مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که به عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می‌دهد. راپورت مزبور به امضای مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می‌شود. عضو ناظر باید از همه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلس

ترتیب دهد. چنانچه تشریفات مذکور رعایت نشود توافقات و تصمیمات متخذه بی اعتبار است.

۵-۱-۲. قبول اکثریت طلبکاران

قرارداد ارفاقی یکی از مصادیق استثنائات اصلی نسبی بودن قراردادهاست و برای تحقق نیازی به رضایت و قبولی تمامی طلبکاران ندارد بلکه مشارکت اکثریت مورد نظر قانونگذار کافی است. قانونگذار در ماده ۴۸۰ قانون تجارت میزان اکثریت طلبکاران را از حیث عددی و مبلغی مشخص کرده است در واقع نصاب اکثریت مذکور دو اکثریتی است یعنی طلبکاران هم از حیث عددی باید در اکثریت باشند و از حیث مبلغ طلب. به موجب این ماده: «قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می شود که لااقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند والا بلا اثر خواهد بود».

سؤال این است که اگر اکثریت عددی یا مبلغی طلبکاران برای انعقاد قرارداد ارفاقی حاصل نشود تکلیف چیست؟

چنانچه در جلسه اول یکی از اکثریت های مورد نظر قانونگذار حاصل باشد مثلاً طلبکاران موافق قرارداد ارفاقی از حیث تعداد در اکثریت باشند اما از حیث میزان طلب جز اکثریت نباشند یا اینکه طلبکاران از حیث میزان طلب در اکثریت باشند؛ اما از حیث تعداد در اکثریت نباشند جلسه ای دیگر برای یک هفته بعد تشکیل می شود (عبدی پور، ۱۳۹۸، ۲۱۶). ماده ۴۸۱ قانون تجارت در این زمینه می گوید: «هرگاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عدداً حاضر

شوند؛ ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند؛ ولی اکثریت عددی راجح نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می شود». مطابق ماده ۴۸۲ قانون تجارت: «طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و صورت مجلس را امضاء نموده اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند؛ مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند؛ ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است، اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکمیل شود قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود». منظور از قطعیت قرارداد در ماده ۴۸۲ غیر قابل اعتراض بودن نیست چون قرارداد ارفاقی بر اساس مواد بعدی توسط تمامی طلبکاران و تاجر ظرف یک هفته از تاریخ وقوع قابل اعتراض در دادگاه است؛ بلکه منظور از قطعیت غیر قابل برگشت بودن است (اسکینی، ۱۴۰۰، ۱۹۲). یعنی اینکه امضاکننده بعد از کامل شدن تمامی امضاها دیگر حق عدول و انصراف از تصمیم و امضای خود را ندارد. مفهوم مخالف عبارت مذکور این است که تا قبل از کامل شدن امضاها در جلسه دوم قرارداد ارفاقی، قرارداد ناقص و نیمه تمام و به عبارتی متزلزل است و امکان عدول از امضا وجود دارد. حتی می توان واژه قطعیت قرارداد در این ماده را به معنی غیر قابل فسخ بودن نیز در نظر گرفت در واقع قرارداد ارفاقی تا قبل از کامل شدن امضات اکثریت عددی و مبلغی طلبکاران، یک عقد جایز و قابل فسخ از سوی طلبکاران امضاکننده است؛ اما به محض کامل شدن امضات، این قرارداد تبدیل به یک عقد لازم و غیر قابل فسخ می شود. البته این تعبیر خالی از اشکال

لازم برای انعقاد قرارداد ارفاقی لحاظ می‌شوند یا خیر؟ در پاسخ به این سوال دو نظر ارائه شده است. نظر اول این است که باتوجه به اطلاق واژه طلبکارها در ماده ۴۸۰ قانون تجارت منظور از طلبکاران کلیه طلبکاران اعم از طلبکاران با حق وثیقه و سایرین است. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۷/۳۵۱۱ مورخ ۶۶/۷/۵ هم‌سو با این نظر بیان داشته است: «صاحب وثیقه نیز می‌بایستی جز طلبکاران محسوب و با در نظر گرفتن شخص وی و میزان طلبش قرارداد ارفاقی از طرف دادگاه تصدیق شود». نظر دوم این است که مطالبات موثق را نمی‌توان بدون قبول صاحبان وثیقه در نصاب اکثریت مجمع طلبکاران لحاظ کرد چون این طلبکاران در هنگام تصفیه از محل وثیقه طلبشان را وصول می‌کنند و نام آن‌ها صرفاً در لیست طلبکاران قید می‌شود. نظر دوم با روح قانون سازگاری بیشتری دارد.

۵-۱-۳. عدم محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب

قرارداد ارفاقی برای حمایت از تاجر با حسن‌نیت پیش‌بینی شده است. بنابراین تاجری که به جرم ورشکسته به تقلب به موجب حکم قطعی کیفری محکوم شده است نمی‌تواند از این امتیاز استفاده کند. ماده ۴۸۳ قانون تجارت در این زمینه می‌گوید: «اگر تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود...». حساسیت قانون‌گذار نسبت به جرم مذکور به قدری است که نه تنها وجود حکم قطعی ورشکستگی به تقلب را قبل از وقوع قرارداد مانع انعقاد قرارداد دانسته است بلکه بعد از وقوع قرارداد نیز اگر حکم ورشکستگی به تقلب تاجر صادر شود این امر منجر به ابطال قرارداد ارفاقی

نیست چون امکان فسخ یک قرارداد ناظر به قراردادی است که واقع شده است. قرارداد ارفاقی تا قبل از حصول نصاب اکثریتی عددی و مبلغی طلبکاران واقع نشده و نمی‌توان عدم قطعیت آن را حمل بر قابل فسخ بودن آن کرد.

چنانچه در جلسه اول هیچ کدام از اکثریت‌ها حاصل نشود نه اکثریت عددی و نه مبلغی، در این صورت تشکیل جلسه دوم مطابق مواد مذکور منتفی است. بنابراین شرط تشکیل جلسه دوم برای کامل شدن طلبکاران و انعقاد قرارداد نیمه تمام ارفاقی این است که در جلسه اول یکی از اکثریت‌های مورد نظر قانونگذار حاصل باشد. هم‌چنین اگر در جلسه دوم نیز حد نصاب لازم بر انعقاد قرارداد ارفاقی محقق نشود مجوزی برای تشکیل جلسه سوم وجود ندارد و نوبت به عملیات تصفیه یعنی فروش و تقسیم اموال می‌رسد (کاویانی، ۱۳۹۵، ۱۵۸).

یک دسته از طلبکاران تاجر ورشکسته، طلبکاران با حق وثیقه هستند. این طلبکاران مشمول اصل تساوی طلبکاران نمی‌شوند و در استیفای طلب خود از محل وثیقه بر سایر طلبکاران ورشکسته تقدم دارند. کاملاً طبیعی است که این طلبکاران تمایلی به مشارکت در قرارداد ارفاقی و اعطای مهلت به تاجر ورشکسته نداشته باشند چون می‌توانند با خیال راحت طلب خود را از محل وثیقه وصل کنند. حال اگر بخواهیم تعداد و مبلغ طلب طلبکاران با حق وثیقه را در اکثریت عددی و مبلغی مورد نظر ماده ۴۸۰ قانون تجارت منظور و لحاظ کنیم امکان حصول اکثریت لازم برای انعقاد قرارداد ارفاقی کاهش می‌یابد. بنابراین سوال این است که آیا طلبکاران با حق وثیقه نیز در احتساب اکثریت عددی و مبلغی

منعقد نمی‌شود. در موقعی که تاجر به‌عنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می‌شود لازم است طلبکارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول براءة تاجر و انعقاد قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت، اگر بخواهند تصمیم را موکول به زمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند. چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قرارداد ارفاقی شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد». ماده ۴۸۴ قانون تجارت نیز بیان می‌دارد: «اگر تاجر بعنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است؛ لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها می‌توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را به تاخیر بیاورند».

خلاصه بحث این می‌شود که اگر در زمان وقوع قرارداد ارفاقی، شکایت ورشکستگی به تقلب تاجر در مرجع کیفری مفتوح باشد سه حالت به‌وجود می‌آید: حالت اول این است که اکثریت طلبکاران بی‌اعتنا به نتیجه پرونده کیفری، قرارداد را همین حالا به صورت منجز واقع کنند. این قرارداد صحیح است اما اگر بعداً نتیجه پرونده کیفری، محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب باشد، قرارداد باطل می‌شود. حالت دوم این است که طلبکاران قرارداد ارفاقی به صورت معلق از نوع تعلیق در منشا واقع کنند. یعنی عقد واقع شود؛ اما تحقق اثر آن منوط به حصول براءة قطعی تاجر در پرونده کیفری شود. حالت سوم این است که

می‌شود. بنابراین عدم محکومیت تاجر به جرم ورشکستگی به تقلب هم ابتدئاً و هم استدامتاً شرط صحت قرارداد ارفاقی است. اما در عین حال ورشکستگی به تقصیر مانع انعقاد قرارداد ارفاقی نیست و بعد از وقوع قرارداد ارفاقی نیز، محکوم شدن تاجر به جرم ورشکستگی به تقصیر از موجبات ابطال قرارداد و حتی فسخ آن هم نیست. البته ناگفته نماند که محکومیت تاجر به جرم ورشکستگی به تقصیر می‌تواند تمایل طلبکاران برای انعقاد قرارداد را از بین ببرد (صفری، ۱۳۸۸، ۲۳۸-۲۳۷).

چنانچه در زمان وقوع قرارداد ارفاقی، پرونده شکایت کیفری ورشکستگی به تقلب یا ورشکستگی به تقصیر از تاجر در مرجع کیفری مفتوح باشد و هنوز منتج به صدور حکم قطعی محکومیت وی نشده باشد قاعدتاً امکان انعقاد قرارداد ارفاقی وجود دارد. چون آنچه مانع انعقاد قرارداد ارفاقی است وجود حکم قطعی محکومیت ورشکستگی به تقلب در زمان وقوع قرارداد است و صرف مفتوح بودن پرونده کیفری مانع انعقاد قرارداد نیست. البته قانون تجارت این اختیار را نیز برای طلبکاران در نظر گرفته که در چنین شرایطی توافق کنند که تعیین و تکلیف راجع به انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد ارفاقی معلق و موکول به مشخص شدن نتیجه نهایی اتهامات شود. اثر توافق مذکور این است که در طول این مدت فرآیند تصفیه متوقف می‌شود. برای وقوع این توافق، همان اکثریتی که برای انعقاد قرارداد ارفاقی لازم است (اکثریت عددی و مبلغی) باید مشارکت کنند. ماهیت چنین توافقی یک پیش قرارداد است.

ماده ۴۸۳ قانون تجارت می‌گوید: «اگر تاجر به‌عنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی

دادگاه بیشتر جنبه تشریفاتی دارد و مربوط به مرحله اجرا و اثرگذاری قرارداد است و دادگاه در انعقاد قرارداد دخالت ندارد؛ بلکه صرفاً نظارت بر رعایت تشریفات خاص در انعقاد قرارداد و رعایت حقوق غرما را به عهده دارد (قنوتی؛ کهنمویی، ۱۳۸۹، ۱۳۲).

قرارداد ارفاقی قابل اعتراض در دادگاه است. در خصوص اینکه چه کسانی حق اعتراض به قرارداد را دارند ماده ۴۸۵ قانون تجارت می‌گوید: تمام طلبکارانی که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی را داشته‌اند می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ وقوع قرارداد به آن اعتراض کنند. شاید با توجه به اطلاق واژه طلبکاران گفته شود که حتی طلبکاران امضاکننده یا همان طلبکاران اکثریت هم حق اعتراض به قرارداد را دارند. عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند که کلیه اشخاص ذینفع اعم از طلبکاران اکثریت، اقلیت و حتی خود تاجر حق اعتراض به قرارداد ارفاقی را دارند (رحمانی، ۱۳۹۳، ۱۵۲). به نظر می‌رسد که تمسک به این اطلاق منطقی نباشد چون طلبکاران اکثریت هیچ الزامی در امضا کردن قرارداد ندارند و در صورت مخالفت می‌توانند از امضای قرارداد امتناع کنند. بنابراین تفسیر منطقی از ماده مذکور این است که منظور از طلبکاران صرفاً طلبکاران اقلیت یعنی همان طلبکارانی است که قرارداد را امضا نزدند. بدیهی است که تاجر و مرجع تصفیه نیز حق اعتراض به قرارداد ارفاقی را ندارند (محمدزاده و اداقانی، ۱۳۹۲، ۱۶۳). اعتراض طلبکاران به قرارداد ارفاقی باید موجه باشد و ظرف مدت مذکور به مدیر تصفیه (یا اداره تصفیه) و خود تاجر و رشکسته ابلاغ شود و الا اعتراض مسموع نخواهد بود. رسیدگی به این اعتراض در دادگاه

طلبکاران اکثریت، انشا و انعقاد قرارداد ارفاقی را معلق و موکل به حصول برائت تاجر در پرونده کیفری کنند. این توافق همان توافقی است که در مواد ۴۸۳ و ۴۸۴ پیش‌بینی شده است و ماهیت آن در واقع یک پیش‌قرارداد است. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که این نوع تعلیق در حالت سوم در واقع همان تعلیق در انشا است که در حقوق مدنی اکثریت حقوق‌دانان به پیروی از مشهور فقها آن را باطل می‌دانند؛ اما در قانون تجارت قانون‌گذار مصداق آن را بیان کرده است (قلی‌زاده منقوای، ۱۳۹۶، ۱۱۱). ورشکستگی به تقلب در مواردی است که تاجر مرتکب تقلب و جعل شود و به این وسیله درصدد برآید تا مقداری از اموال و دارایی خود را به ظاهر از بین ببرد. ورشکستگی به تقلب مبتنی بر سوء نیت می‌باشد، مثل کلاهبرداری. اصولاً اشخاص شیاد و کلاهبردار باید مورد مجازات قرار گیرند، مخصوصاً که در روابط تجاری اگر اعتماد بین بازرگانان از بین برود معاملات تجاری متوقف خواهد شد و لطمه بزرگی به اقتصاد کشور وارد خواهد آمد.

۵-۱-۴. تصدیق قرارداد ارفاقی توسط دادگاه

مطابق ماده ۴۸۶ قانون تجارت: «قرارداد ارفاقی باید به تصدیق دادگاه برسد و هریک از طرفین قرارداد (طلبکاران و تاجر) می‌توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نمایند...» لزوم تصدیق دادگاه شاید ماهیت قراردادی بودن قرارداد ارفاقی را با شبهه مواجه کند و آن را به سمت تصمیم قضایی نزدیک کند (رحیم‌زاده میبیدی؛ مجاهد، ۱۴۰۰، ۲۵۵). در واقع ممکن است گفته شود قرارداد ارفاقی یک تصمیم قضایی است و تصدیق دادگاه به وجود آورنده آن است. این دیدگاه نادرست است چون تصدیق

۴- راپورت و گزارش عضو ناظر راجع به کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد.

سؤال این است که آیا دادگاه با وجود احراز شرایط شکلی مذکور، می‌تواند از حیث ماهیتی از تصدیق امتناع کند؟ قانون در این زمینه ساکت است. عده‌ای از حقوق‌دانان می‌گویند پذیرش یا رد تصدیق قرارداد ارفاقی با وجود شرایط شکلی آن جزء اختیارات دادگاه است؛ اگر دادگاه احراز کند که قرارداد ارفاقی با وجود رعایت تمامی شرایط شکلی، حقوق قانونی طلبکاران را ضایع می‌کند و حالت تساوی آنان را از بین می‌برد و به عبارت دیگر سودمند نباشد آن را رد، در غیر این صورت تصدیق خواهد کرد (اسکینی، ۱۴۰۰، ج ۴، ۱۹۴؛ صقری، ۱۳۸۸، ۳۵۶؛ کاویانی، ۱۳۹۵، ۱۵۸) به نظر می‌رسد دیدگاه مذکور با اصول و مقررات سازگار نباشد. چون اولاً، قرارداد ارفاقی ماهیتاً یک توافق است که با اراده طرفین آن (تاجر و اکثریت طلبکاران) و رعایت تشریفات قانونی بوجود می‌آید. ثانیاً، قانون تجارت شرایط و تشریفات تصدیق قرارداد ارفاقی را به صورت حصری بیان کرده است و با وجود رعایت و احراز این شرایط، امتناع دادگاه از پذیرش قرارداد مجوز قانونی ندارد. ثالثاً، انعقاد قرارداد ارفاقی یکی از امتیازاتی است که قانون برای تاجر و اکثریت طلبکاران پیش‌بینی کرده است. اختیار دادگاه در پذیرش یا عدم پذیرش قرارداد با وجود رعایت تشریفات قانونی، مخالف مبنای قرارداد و امتیاز قانون است. رابعاً، مفهوم مخالف ماده ۴۸۸ قانون تجارت می‌تواند دلالت بر تکلیف دادگاه به تصدیق قرارداد ارفاقی کند. به موجب منطوق این ماده: «در صورت عدم رعایت قواعد مقرر (شرایط شکلی) محکمه از تصدیق قرارداد

صورت می‌گیرد و دادگاه، مدیرتصفیه و تاجر ورشکسته را برای جلسه رسیدگی احضار خواهد کرد. تا قبل از سپری شدن مهلت یک هفته مذکور (که مهلت اعتراض به قرارداد ارفاقی محسوب می‌شود). تصدیق قرارداد ارفاقی میسر نیست. در صورتی که در مدت مذکور اعتراض نشود دادگاه پس از احراز شرایط قرارداد ارفاقی، آن را با صدور حکم، تصدیق می‌کند. البته قبل از آنکه دادگاه در مورد تصدیق قرارداد رای دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به دادگاه تقدیم نماید. در صورت اعتراض طلبکاران، دادگاه به هر دو درخواست (یعنی اعتراض طلبکاران و درخواست تصدیق قرارداد) توأمان و یکجا رسیدگی می‌کند و حکم واحد صادر می‌کند. اگر اعتراض وارد تشخیص داده شود در خواست تصدیق رد می‌شود و قرارداد ارفاقی نسبت به تمام اشخاص بی‌اثر می‌گردد. باید توجه داشت که دادگاه مجاز به تغییر شرایط قرارداد نیست بلکه صرفاً قرارداد را از جهت رعایت تشریفات و وجود شرایط انعقاد بررسی می‌کند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۲، ج ۴، ۱۶۲).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان شرایط صدور حکم تصدیق قرارداد ارفاقی را چنین خلاصه کرد:

۱- درخواست تصدیق قرارداد از دادگاه توسط یکی از طرفین قرارداد.

۲- سپری شدن مهلت یک هفته از تاریخ وقوع قرارداد.

۳- عدم اعتراض طلبکاران در مدت یک هفته مذکور و در صورت اعتراض، عدم پذیرش اعتراض توسط دادگاه

نظرخواهی کنند؛ زیرا اگر مطلق دیان این حق را داشته باشند خودبه خود ترتیبات مقرر در ماده اخیر نسبت به اعتبار اعتراضات بی اثر می‌گردد (صقری، ۱۳۸۸، ۳۶۴). قانون تجارت در خصوص انتشار حکم تصدیق یا رد تصدیق قرارداد ارفاقی در روزنامه ساکت است که با توجه به اصل عدم نیازی به انتشار آن نیست. به علاوه در خصوص قابلیت اعتبار امر مختوم حکم دادگاه نیز ممکن است اختلاف بوجود آید. بدین صورت که اگر بعد از تصدیق یا رد تصدیق قرارداد ارفاقی پیشنهادهای بهتری بین طرفین انجام شود آیا امکان وقوع مجدد قرارداد ارفاقی وجود دارد؟ یکی از حقوق دانان در پاسخ به این سؤال می‌گوید حکم تصدیق قرارداد ارفاقی دارای اعتبار امر مختوم است و امکان طرح مجدد قرارداد ارفاقی و تصدیق آن توسط دادگاه وجود ندارد اما این حقوقدان راجع به حکم رد تصدیق قرارداد ارفاقی نظری نمی‌دهد (اسکینی، ۱۴۰۰، ج ۴، ۱۹۵). به نظر ما طرح انعقاد مجدد قرارداد ارفاقی بعد از حکم تصدیق دادگاه به مسئله امکان اقاله یا عدم اقاله قرارداد ارفاقی بر می‌گردد. قرارداد ارفاقی با توافق طرفین به وجود می‌آید و تصدیق دادگاه صرفاً شرط اثرگذاری توافق منعقد است و نه شرط وقوع آن. اقاله قرارداد ارفاقی تصدیق شده می‌تواند به طور صریح انجام شود یا ضمنی. اقاله ضمنی قرارداد ارفاقی می‌تواند از طریق انعقاد یک قرارداد جایگزین محقق شود بنابراین اگر اقاله قرارداد را بپذیریم باید بگوییم که حکم تصدیق قرارداد ارفاقی اعتبار امر مختومه ندارد. به همین ترتیب وقتی که حکم تصدیق قرارداد ارفاقی اعتبار امر مختوم نداشته باشد حکم رد تصدیق نیز به طریق اولی فاقد اعتبار امر مختوم است (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۲، ج ۴، ۱۶۳). دارا بودن اعتبار

ارفاقی امتناع خواهد نمود». مطابق مفهوم مخالف این ماده در صورت رعایت قواعد مقرر (شرایط شکلی) محکمه، قرارداد را تصدیق خواهد کرد. البته برای تقویت نظر مخالف می‌توان به ماده ۴۸۷ استناد کرد که به نوعی دلالت بر اختیار دادگاه در پذیرش یا عدم پذیرش تصدیق قرارداد دارد. به موجب این ماده: «قبل از آنکه محکمه در باب تصدیق قرارداد رأی دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید». همان طور که ملاحظه می‌شود راپورت عضو ناظر در راستای متقاعد کردن دادگاه جهت امکان تصدیق قرارداد است و این یعنی اینکه اگر دادگاه با وجود راپورت مذکور توجیه و متقاعد نشود می‌تواند از تصدیق امتناع کند. البته در رد این نظر می‌توان گفت شرط مندرج در ماده مذکور نیز یکی از شرایط شکلی بیان شده برای تصدیق قرارداد ارفاقی است و منظور ما از طرح سؤال این بود که آیا دادگاه با وجود احراز شرایط شکلی از جمله شرط مندرج در ماده ۴۸۷ باز هم می‌تواند از تصدیق امتناع کند یا خیر، که پاسخ ما منفی بود.

حکم تصدیق یا رد تصدیق قرارداد ارفاقی با توجه به اینکه همانند حکم ورشکستگی، غیر مالی محسوب می‌شود قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدید نظر استان است اما قابل فرجام‌خواهی نیست. در خصوص اینکه چه اشخاصی حق تجدیدنظرخواهی نسبت به حکم تصدیق قرارداد ارفاقی را دارند، برخی از حقوق دانان معتقدند فقط طلبکاران در اقلیت که مخالفت خود را با قرارداد ارفاقی برابر ماده ۴۸۵ قانون تجارت به مدیر تصفیه و شخص ورشکسته ابلاغ نموده‌اند، می‌توانند نسبت به حکم راجع به تصدیق قرارداد تجدید

مذکور بعد از قطعیت ایجاد می‌شود. در ذیل در سه بند به بررسی آثار قرارداد ارفاقی می‌پردازیم.

۵-۲-۱. اثر قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران قبول‌کننده

اثر قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکارانی که آن را قبول کرده‌اند (طلبکاران اکثریت)، این است که این اشخاص از گرفتن سهم خود از دارایی موجود تاجر صرف نظر می‌کنند و آن را در اختیار تاجر قرار می‌دهند تا تاجر با آن سرمایه فعالیت کند و مطابق شرایط تعیین‌شده در قرارداد، بدهی خود را به این طلبکاران در اقساط و مواعد تعیین‌شده پرداخت کند. این طلبکاران که به آن‌ها طلبکاران اکثریت نیز گفته می‌شود به دو دسته تقسیم می‌شوند: اول طلبکارانی که در انعقاد قرارداد شرکت داشته‌اند و دوم طلبکارانی که ظرف ده روز از تاریخ تصدیق قرارداد آن را قبول کرده‌اند (قنواتی؛ کهنمویی، ۱۳۸۹، ۱۳۲).

۵-۲-۲. اثر قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران مخالف

اثر قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران مخالف یا ممتنع که به آن‌ها طلبکاران اقلیت نیز گفته می‌شود این است که این اشخاص سهم خود را از دارایی موجود تاجر دریافت می‌کنند منتها مابقی طلب آن‌ها از اموالی که تاجر در نتیجه ادامه فعالیت‌های خود در آینده کسب می‌کند، زمانی قابل وصول است که ابتدائاً تمامی طلب‌های طلبکاران اکثریت پرداخت شود. استثناً بودن قرارداد ارفاقی بر اصل نسبی بودن قراردادها در همین جا ظاهر می‌شود؛ چون طلبکاران اکثریت با انعقاد قرارداد ارفاقی هرچند مانع دستیابی طلبکاران اقلیت بر سهمشان نسبت به اموال موجود

امر مختوم حکم تصدیق یا رد تصدیق ارفاقی صرفاً در صورتی توجیه می‌شود که بگوییم قانون‌گذار حق انعقاد قرارداد ارفاقی را فقط برای یک بار تجویز کرده است و اگر این قرارداد بنا به هر دلیلی به منصفه ظهور نرسد دیگر حقی برای انعقاد آن وجود ندارد. اصل سرعت و رعایت حفظ حقوق تمامی طلبکاران می‌تواند این نظر را تقویت کند؛ اما در قانون تجارت قانون‌گذار مطلبی راجع به حصر حق انعقاد قرارداد ارفاقی به یک بار را ندارد.

سؤال این است که حکم تصدیق قرارداد ارفاقی جنبه اعلامی دارد یا تأسیسی؟ می‌توان گفت این حکم از این جهت که اعلام‌کننده وقوع قرارداد ارفاقی بین طرفین آن است جنبه اعلامی دارد؛ اما از این جهت که آثار قرارداد ارفاقی بعد از حکم تصدیق ظاهر و اجرایی می‌شود می‌توان آن را تأسیسی نیز دانست. به هر حال جنبه تأسیسی این حکم غالب است.

از ویژگی‌های قرارداد ارفاقی این است که امکان ملحق شدن طلبکاران به قرارداد ارفاقی بعد از حکم تصدیق قرارداد نیز وجود دارد. بدین صورت که طلبکارانی که در انعقاد این قرارداد شرکت نداشته‌اند (طلبکاران مخالف و اقلیت) تا ده روز بعد از تصدیق دادگاه می‌توانند آن را قبول و امضا کنند و از این طریق جزء طرفین این قرارداد شوند.

۵-۲. آثار قرارداد ارفاقی

قرارداد ارفاقی پس از تصدیق دادگاه آثاری را برای طلبکاران اکثریت، طلبکاران اقلیت و خود تاجر ایجاد می‌کند در خصوص اینکه این آثار بعد از قطعیت حکم تصدیق قرارداد ارفاقی ایجاد می‌شود یا به محض صدور حکم بدوی تصدیق، باید گفت آثار

تحويل اسناد و اموال به تاجر خاتمه می‌یابد. مطابق ماده ۴۹۱ قانون تجارت: «همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می‌دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می‌شود. مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و هم‌چنین دارایی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضا نکرده‌اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسید می‌گیرد و پس از آنکه قرار تادیه سهم طلبکاران مذکور را داد مأموریت مدیر تصفیه ختم می‌شود، از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می‌نماید و مأموریتش خاتمه می‌یابد. در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.» اجرای قرارداد ارفاقی از تاریخی شروع می‌شود که مدیر تصفیه اموال را به او مسترد کند (اصغری، ۱۳۹۵، ۷۸).

سؤال این است که آیا با وقوع قرارداد ارفاقی، قاعده تعلیق دعاوی فردی که با صدور حکم ورشکستگی ایجاد شده بود، برطرف می‌شود؟ برخی از حقوق دانان معتقدند که در مدت اجرای قرارداد ارفاقی، طلبکاران حق اقامه دعوی انفرادی علیه تاجر ورشکسته را ندارند و عملیات اجرایی نیز علیه او قابل تعقیب نیست. البته منظور از دعاوی، دعاوی است که موضوع آن مبلغی پول باشد و الا دعاوی دیگر از قبیل دعاوی بطلان، فسخ یا استرداد قابل طرح خواهد بود (اسکینی، ۱۴۰۰، ج ۴، ۱۵۷). در تقویت این نظر می‌توان گفت قرارداد ارفاقی صرفاً در محدوده و مفاد قرارداد منجر به ختم ورشکستگی می‌شود و در صورت تردید در زوال یا عدم زوال آثار ورشکستگی

تاجر نمی‌شود اما این طلبکاران تا زمان وصول تمامی طلب طلبکاران اکثریت از اموالی که در آینده کسب می‌شود، حق وصول باقیمانده طلب خود را ندارند. این یکی از ویژگی مختص و بارز قرارداد ارفاقی است که به موجب آن برخلاف اصل نسبی بودن قراردادها، تصمیم اکثریت بر اقلیت تحمیل می‌شود (عبدی‌پور، ۱۳۹۸، ۲۱۷).

ماده ۴۸۹ قانون تجارت در خصوص اثر قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران اعم از طلبکاران قبول‌کننده و مخالف می‌گوید: «همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضا نموده‌اند قطعی خواهد بود؛ ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضا نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکارها می‌رسد دریافت نمایند؛ لیکن حق ندارند در آتیه از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند؛ مگر پس از تادیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضا نموده‌اند.»

۵-۲-۳. اثر قرارداد ارفاقی نسبت به تاجر ورشکسته

اثر قرارداد ارفاقی نسبت به تاجر ورشکسته این است که او از حالت منع مداخله در اموالش که در نتیجه صدور حکم ورشکستگی حاصل شده، خارج می‌شود و می‌تواند در راستای اجرای قرارداد همانند قبل از ورشکستگی به فعالیت‌های تجاری‌اش ادامه دهد. مأموریت مدیر تصفیه (اداره تصفیه) بعد از تحقق قرارداد ارفاقی و پرداخت سهم طلبکاران اقلیت و

تاجر به موجب قرارداد ارفاقی تعهداتی برایش ایجاد می‌شود که باید بر اساس آن عمل کند. قرارداد ارفاقی سازوکاری برای بازسازی بنگاه ورشکسته و ادامه فعالیت تجاری اش است. هم‌چنین به محوررمیت و حجر او در امور مالی خاتمه می‌دهد.

۵-۲-۴. اثر قرارداد ارفاقی نسبت به اشخاص

ثالث

در قرارداد ارفاقی غیر از تاجر و طلبکاران، باید سایرین مثل ضامن‌های ورشکسته یا اشخاصی که با او مسئولیت تضامنی دارند را شخص ثالث محسوب کنیم (اسکینی، ۱۴۰۰، ج ۴، ۱۹۷). با توجه به اینکه قانون تجارت راجع به اثر قرارداد ارفاقی بر این اشخاص ساکت است لذا با فقدان نص، قواعد عام از جمله اصل نسبی بودن قراردادها (ماده ۲۳۱ قانون مدنی) حاکم است. قرارداد ارفاقی نفعی به ضامنین تاجر نمی‌رساند و مانع مراجعه طلبکاران به ضامن ورشکسته نمی‌شود. طلبکاران تاجر می‌توانند کلیه طلب موضوع ضمانت یا مسئولیت تضامنی را در سررسید آن از این اشخاص مطالبه کنند.

۵-۲-۵. آثار حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

آثار حکم ابطال و فسخ قرارداد ارفاقی یکسان است جز اینکه حکم ابطال یک اثر اختصاصی دارد و آن اینکه مطابق ماده ۴۹۳ قانون تجارت: «اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن‌ها (در صورتی که باشد) به خودی خود ملغی می‌شود». ابطال و فسخ قرارداد ارفاقی باعث می‌شود که آثار حکم ورشکستگی از جمله ممنوعیت تاجر از مداخله در اموالش مجدد احیا شود.

باید طبق اصل استصحاب هم‌چنان محدودیت‌ها و آثار ورشکستگی را جاری دانست. مضافاً آنچه که با جست‌وجو و مطالعه مقررات مربوط به قرارداد ارفاقی استنباط می‌شود این است که قرارداد ارفاقی صرفاً تاجر را از حالت منع مداخله در اموال خارج می‌کند و قانون تجارت تصریحی راجع به رفع قاعده تعلیق دعاوی ندارد. در مقابل می‌توان نظر مخالفی داد و آن اینکه یکی از آثار قرارداد ارفاقی مطابق ماده ۴۹۱ قانون تجارت خاتمه یافتن مأموریت و سمت مدیر تصفیه است. این ماده به‌طور ضمنی دلالت بر رفع کلیه آثار و محدودیت‌هایی دارد که مدیر تصفیه در آن دخیل است. نتیجه قاعده تعلیق دعاوی، قائم مقامی مدیر تصفیه در طرح و دفاع از دعاوی مالی مربوط به تاجر است. با وجود خاتمه یافتن مأموریت مدیر تصفیه، دیگر صحبت کردن از قائم‌مقامی و نقش مدیر تصفیه سالبه به انتفا موضوع است. نظر دوم با قانون سازگاری بیشتری دارد (عبدی‌پور، ۱۳۹۸، ۲۱۷).

با بسته شدن قرارداد ارفاقی، آثار حکم ورشکستگی متوقف می‌شود و تاجر مجدد حق اداره اموال و ادامه تجارتش را به دست می‌آورد و می‌تواند شخصاً به فعالیت تجاری خود ادامه دهد. در این صورت مدیر تصفیه (با اداره تصفیه) باید اموال، مدارک و دفاتر تاجر را به او تحویل بدهد. قرارداد ارفاقی موجب ساقط شدن بخشی از بدهی تاجر و مهلت دادن و قسطی شدن بقیه دیون او می‌شود. با تحویل اسناد و مدارک به تاجر و هم‌چنین پرداخت طلب طلبکارانی که با قرارداد ارفاق موافقت نکردند، وظیفه مدیر تصفیه تمام می‌شود. هم‌چنین تاجر می‌تواند خودش طرح دعوی کند و نیز طرف دعوی قرار بگیرد. البته

میان طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده‌اند، می‌داند (فرحناکیان، ۱۳۹۷، ۵۹۰). چنانچه بطلان قرارداد ارفاقی همانند بطلان در حقوق مدنی اثری قهقرایی داشت، قاعدتاً در چنین شرایطی می‌بایست به طلبکاران مخالف قرارداد ارفاقی نیز حق ورود در هیئت غرما را می‌دادیم در حالی که چنین چیزی نیست.

در حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی دادگاه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه تعیین می‌کند. البته اگر در حوزه دادگاه اداره تصفیه وجود داشته باشد نیازی به تعیین این اشخاص نیست. در حقیقت احکام مذکور اثری شبیه حکم ورشکستگی دارند. مطابق ماده ۴۹۷ قانون تجارت: «پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین می‌کند». ماده ۴۹۸ قانون تجارت نیز می‌گوید: «مدیر تصفیه می‌تواند دارایی تاجر را توقیف و مهروموم نماید. مدیر تصفیه فوراً از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشته‌جات نموده و اگر لازم باشد متممی برای صورت دارایی ترتیب می‌دهد، مدیر تصفیه باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف یک‌ماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند، در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که به موجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود».

ماده ۴۹۹ قانون تجارت: «بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می‌شود، نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید به عمل نمی‌آید. مطالباتی که

مطابق ماده ۵۰۰ قانون تجارت: «معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد». همان‌طور که ملاحظه می‌شود ابطال و فسخ قرارداد ارفاقی اثر قهقرایی ندارد و اثر آن ناظر به آینده است. به همین جهت معاملات تاجر بعد از قرارداد ارفاقی و قبل از صدور حکم ابطال و فسخ اصولاً صحیح است؛ مگر اینکه اولاً به قصد اضرار بوده باشد، ثانیاً به عملاً به ضرر طلبکاران هم باشد.

پس از صدور حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی مطابق ماده ۵۰۱ قانون تجارت دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده‌اند به غرما تقسیم می‌شود. البته اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته‌اند ماخوذی آن‌ها از وجهی که به ترتیب غرما به آن‌ها می‌رسد کسر خواهد شد. طلبکاران معترض به قرارداد ارفاقی و آن‌هایی که قرارداد را امضا ننموده‌اند از آنجا که به موجب ماده ۴۸۹ قانون تجارت سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکارها می‌رسد دریافت می‌نمایند، پس از فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی نیز نمی‌توانند در هیئت غرما وارد شوند؛ زیرا علاوه بر تصریح قسمت اخیر ماده ۴۸۹ مبنی بر اینکه این افراد حق ندارند در آتیه از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند؛ مگر پس از تادیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را ظرف ده روز امضا نموده‌اند، ماده ۵۰۱ قانون تجارت نیز دارایی تاجر ورشکسته را در این صورت فقط قابل تقسیم

تمام یا قسمتی از آن‌ها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می‌شود».

سؤالی که مطرح می‌شود این است آیا امکان صدور حکم ورشکستگی مجدد تاجر ورشکسته وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت در صورتی که قرارداد ارفاقی منعقد شود و تاجر پس از آن مجدداً در پرداخت دیون خود دچار حالت توقف شود حکم ورشکستگی او توسط دادگاه صادر می‌شود و قرارداد ارفاقی بدون نیاز به حکم ابطال یا فسخ، به محض صدور حکم ورشکستگی مجدد تاجر منتفی و منفسخ می‌شود.

ماده ۵۰۳ قانون تجارت در این زمینه می‌گوید: «هرگاه تاجری ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم‌الاجرا است». منظور دو ماده قبل همان مواد ۵۰۱ و ۵۰۲ قانون تجارت است. نکته قابل توجه این است که درخواست صدور حکم ورشکستگی ثانوی تاجر فقط توسط طلبکارانی قابل طرح است که طلب آن‌ها بعد از قرارداد ارفاقی به وجود آمده است. طلبکاران ورشکستگی اولیه اعم از طلبکاران موافق یا مخالف، در درخواست ورشکستگی ثانوی ذی‌نفع نیستند چون بر مبنای طلب آن‌ها سابقاً حکم ورشکستگی اولی صادر شده و صدور حکم مجدد بر مبنای آن غیر موجه است. به عبارت دیگر ورشکستگی ثانوی توقف از پرداخت دیونی است که بعد از قرارداد ارفاقی به وجود آمده است و الا در صورت عدم پرداخت دیون طلبکاران ورشکستگی اولی، آن‌ها باید حسب مورد مطابق قانون خواستار ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی و ادامه جریان تصفیه شوند (فرحناکیان، ۱۳۹۷، ۵۰۳).

در خصوص اثر فوت و حجر تاجر ورشکسته بر قرارداد ارفاقی ممکن است اختلاف نظر به وجود آید. یک نظر این است که با توجه به اینکه قرارداد ارفاقی عقدی لازم است با فوت و حجر تاجر از بین نمی‌رود و وراثت یا قیم تاجر مکلف به اجرای قرارداد می‌شوند. نظر دیگر این است انتفای قرارداد ارفاقی در نتیجه فوت یا حجر تاجر ربطی به لازم بودن آن ندارد؛ بلکه ناشی از قائم به شخص بودن این قرارداد است. نظر دوم با ماهیت این قرارداد که ارفاق به شخص تاجر است و مبتنی بر شخصیت او است، سازگاری بیشتری دارد.

بنابراین موارد انتفای قرارداد ارفاقی عبارت‌اند از:

۱- ابطال قرارداد به جهت محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب و یا کشف حيله او در اعلام غیرواقعی میزان دارایی و یا مقدار قروض.

۲- فسخ به جهت عدم اجرای شرایط و تعهدات قرارداد ارفاقی.

۳- صدور حکم ورشکستگی مجدد او به جهت توقف در تأدیة دیون.

۴- انحلال قرارداد در نتیجه فوت یا حجر و یا اقاله.

۶. نتیجه

قرارداد ارفاقی به‌عنوان یکی از اسباب ختم ورشکستگی مورد بررسی قرار گرفت. این قرارداد یکی از استثنائات اصلی نسبی بودن قراردادهای محسوب می‌شود. چون برای وقوع، به دخالت همه طلبکاران نیاز ندارد و اکثریت عددی و مبلغی تعیین شده در قانون می‌توانند قرارداد را با تاجر واقع کنند؛ اما در عین حال آثار قرارداد به تمامی طلبکاران حتی

مخالفین سرایت می‌کند. لزوم تصدیق قرارداد توسط دادگاه و قابلیت اعتراض طلبکاران به آن جز ویژگی‌های منحصر به فرد قرارداد است. فسخ و ابطال قرارداد تابع احکام قانون تجارت است و قانون‌گذار موارد ابطال و فسخ قرارداد ارفاقی را تصریح کرده است. ابطال و فسخ قرارداد ارفاقی باعث می‌شود که آثار حکم ورشکستگی از جمله ممنوعیت تاجر از مداخله در اموالش مجدد احیا شود. قانون تجارت نسبت به تأثیر برخی از وقایع از جمله فوت و حجر تاجر نسبت به قرارداد ارفاقی ساکت است. با توجه به اینکه قرارداد ارفاقی نقش مؤثری در احیای ورشکسته و عاملی بازدارنده برای تصفیه و فروش اموال اوست، جا دارد در قانون‌گذاری جدید، احکام قرارداد مذکور با دقت و تفصیل بیشتری بیان گردد.

۷. مشارکت نویسندگان

در انجام تحقیق حاضر، تمامی نویسندگان به‌طور یکسان مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

منابع

فارسی

- فرحناکیان، فرشید، ساده ساز حقوق تجارت، چاپ بیستم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۷.

- قلی‌زاده منقوطای، احد، «تحلیل حقوقی تعلیق در انشا و کاربردهای آن در حقوق تجارت»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره اول، ۱۳۹۶.

- قنواتی، جلیل؛ کهنمویی، اسماعیل، «بررسی نهاد بازسازی در قانون ایالت متحده و مقایسه آن با قرارداد ارفاقی». مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴، ۱۳۸۹.

- کاویانی، کورش، حقوق ورشکستگی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.

- محمدزاده وادقانی، علیرضا، حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه)، جلد چهارم، چاپ اول، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته)، جلد چهارم، چاپ بیست-وهفتم، تهران، انتشارات سمت، ۱۴۰۰.

- اصغری، محسن؛ پهلوانی‌فرد، احسان، آثار قرارداد ارفاقی در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵.

- حاجعلی، نعمت‌الله، تصفیه امور ورشکستگی، چاپ اول، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۴۰۰.

- رحمانی، عطاالله، حقوق ورشکستگی، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه/ جنگل، ۱۳۹۳.

- رحیم‌زاده میبیدی، حسن؛ مجاهد، افشین، «رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران- انگلیس و فرانسه»، مجله تمدن حقوقی، شماره ۸، ۱۴۰۰.

- رضائیان، محمدرضا، قرارداد ارفاقی، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه پارسه، ۱۳۹۶.

- شریف‌پيامی، مریم، قرارداد ارفاقی از منظر حقوق مدنی و تجارت، چاپ اول، تهران، انتشارات سنجش و دانش، ۱۳۹۹.

- صقري، محمد، حقوق بازرگانی ورشکستگی، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.

- عبدی‌پور، ابراهیم، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۸.